

---

## «خطر نفوذ» از منظر قرآن، حدیث و بیانیه گام دوم

---

سید رضی مرتضوی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - حسین علوی مهر<sup>۲</sup>

### چکیده

نفوذ، یکی از مهمترین راهبردهای دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی، برای رخنه در مراکز تصمیم سازی و تصمیم گیری برای مایوس کردن بدنه اجتماعی و حتی برخی لایه های مدیریتی، از طریق برجسته کردن عیوب و انکار نقاط مثبت، و با ترفند تحقیر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه اسلامی در برابر دشمن و سپس تغییر موازین و وارونه کردن ارزشهاست؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی، بارها خطر نفوذ را گوشزد و در بیانیه گام دوم نیز به برخی عوامل و پیامدهای آن اشاره کرده اند؛ این مقاله با روش کتابخانه ای و توصیفی تحلیلی، پس از شناخت مفهومی نفاق در قرآن و حدیث، و ارتباط مفهومی آن با «نفوذ» به تبیین مباحث مربوط به نفوذ همچون لایه ها، زمینه های پیدایش، اهداف و همچنین راهکارهای مقابله با آن، در کلمات امام خامنه ای و خصوصاً بیانیه گام دوم پرداخته شده است.

**کلید واژگان:** گام دوم، نفوذ، نفاق، قرآن، انقلاب اسلامی

---

۱. دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه

raazy2474@gmail.com

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

(halavimehr5@gmail.com)

## مقدمه

یکی از مهمترین خطراتی که ثبات، استقرار و امنیت جامعه اسلامی را تهدید کرده و مانع از شکوفائی و بالندگی و رشد و پیشرفت آن در تمامی عرصه ها می گردد، «خطر نفوذ» بدخواهان و کینه توزان در بدنه قدرت و بدست گرفتن زمام امور در سطوح و لایه های مختلف، توسط آنان است؛ نفوذی ها با حرکت آرام و خزنده و در قالب ها و عناوین گوناگون، درون مراکز حساس و تصمیم ساز و تصمیم گیر، رخنه کرده و در مواقع حساس و کلیدی، تبدیل به بازویی پرتوان به نفع جبهه دشمن خواهند شد. انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز از این خطر مستثنی نبوده و نیست، و در طول چهل سالی که از طلوع آن می گذرد، همیشه با این پدیده که به تعبیر امام خامنه ای، چیزی جز همان «نفاق» نیست (رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولین و میهمانان کنفرانس اسلامی در آبان ۹۸ فرمودند: به نظر ما سلاح اصلی آمریکا هم در این منطقه که ما در جمهوری اسلامی مراقب این معانی هستیم، نفوذ است، نفوذ در مراکز حساس و تصمیم گیر؛ حقیقتاً آنچه انسان مشاهده میکند در کار اینها، همان نفاقی است که قرآن کریم فرموده است)، دست در گریبان بوده است؛ ایشان که با چشمان تیزبین و هوشیاری بی نظیر خود بارها خطر این پدیده شوم را به جامعه اسلامی گوشزد کرده و نسبت به آن هشدار داده اند، در بیانیه مهم موسوم به «گام دوم انقلاب اسلامی» که به مناسبت چهلمین سال انقلاب اسلامی ایران صادر شده است نیز، «خطر نفوذ» را مورد توجه قرار داده و در قسمتهایی از آن به بیان برخی عوامل زمینه ساز و ابعاد مختلف آن اشاره کردند.

## پیشینه

پس از صدور بیانیه گام دوم، مراکز علمی و پژوهشی فراوانی در سطح کشور و حتی دنیا، کنگره ها و همایشهای فراوانی را با محوریت این بیانیه برگزار کردند و مقالات فراوان علمی تخصصی و پژوهشی ارائه شد که به تبیین بیانیه و مستندات قرآنی و روائی و ارزیابی های تخصصی آن می پردازد؛ در موضوع نفوذ نیز مقالاتی ارائه شده که از آن میان می توان به

«دفاع در برابر نفوذ فرهنگی بر اساس بایسته های تمدن نوین اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نوشته پیمان پور نمازی، سید عبدالحمید طاهری، مسلم مرتضی پور، محمد علی موسوی» «راهبرد تهدیدات نرم دشمن و تاثیر آن بر استحاله فرهنگی با تاکید بر بیانیه گام دوم نوشته غفار زارعی و مسلم بامری» «فرایند و سازوکار پروژه نفوذ بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم نوشته سیاوش صلواتیان»، «راهبرد نفوذ ایالات متحده امریکا و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری و بیانیه گام دوم نوشته رهبر طالعی حور و رستم بهرامی»، «نفوذ در مهندسی محاسبات نخبگان سیاسی و نقش آن در تغییر هویت با تاکید بر ایران نوشته مرتضی علویان» «نقش سناریوی نفوذ در بازگشت پذیری انقلاب اسلامی با تاکید بر اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای و بیانیه گام دوم نوشته مسعود معینی پور»، «راهبرد نفوذ دشمن و فرهنگ دفاعی جمهوری اسلامی ایران نوشته شهرام اسفندیار»، «پیامدشناسی کارکردهای براندازی نرم ناشی از نفوذ دشمن با تاکید بر دیدگاه های مقام معظم رهبری نوشته فریبرز اصلانی»، «هندسه نفوذ سیاسی و تاثیر تهدیدهای آن بر امنیت ملی با تاکید بر رهنمودهای رهبری نوشته مرتضی توکلی محمدی»، «راههای مقابله با نفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای نوشته قاسم خانجانی» و... اشاره کرد.

#### معناشناسی واژه نفوذ

کلمه «نفوذ» به معنی عبور کردن و گذشتن و رد شدن از چیزیست (فراهیدی/۱۴۱۰/۸/۱۸۹)، مثلاً می گویند «نفذ السهم الرمیة»: تیر از شکار گذشت (ابن منظور/۱۴۱۴/۳/۵۱۴)، یا «نفذ الرجل القوم»: آن مرد از میان قوم گذشت، یا «نفذ المئقب فی الحشب»: میخ از چوب رد شده و از طرف دیگر خارج شد (راغب اصفهانی/۱۴۱۲/۸۱۷)؛ ریشه «نفذ»، سه مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و هر سه مورد، در آیه سی و سوم از سوره الرحمن است:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَادُوا مِنْ أَفْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُدُوا لَا

## تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ

در اصطلاح سیاسی و اجتماعی، نفوذ به معنی «راه یافتن پنهانی شخص، به درون محدوده یا گروه یا جامعه ای معین به منظور رسیدن به هدفی معین» دانسته شده است (عمید/۱۳۹۰)؛ لذا «نفوذ» همپوشانی معنایی با «نفاق» دارد و برای شناخت بهتر و دقیقتر آن، لازم است نفاق که گستره معنایی و مفهومی وسیعتری دارد مورد دقت قرار گیرد.

### معنا شناسی نفاق

کلمه «نفاق» به دو معنی تمام شدن و یا مخفی بودن چیزی به کار می رود (ابن فارس/۱۳۹۹/۵/۴۵۴)، و گفته شده وقتی موش صحرائی در دل زمین برای خود خانه حفر می کند، قسمتی از لانه خود را به سمت زمین نازک می کند تا در موقع خطر آن را سوراخ کرده و بعنوان یک راه مخفی از آن استفاده کند، که به آن «نافقاء» می گویند (طریحی/۱۳۷۵/۵/۲۴۱؛ ابن منظور/۱۴۱۴/۱۰/۳۵۸؛ ۱۷۸/۵/۱۴۱۰؛ فیومی، ۱۴۱۴/۲/۶۱۸)، و واژه نفاق نیز، گرچه به گفته زبیدی، از مجعولات اسلامی است (زبیدی/۱۴۱۴/۲۶/۴۳۱) و بمعنای خاصش سابقه نداشته و عرب با آن آشنا نبوده است، ولی برگرفته از همین کلمه است (ابن فارس/۱۳۹۹/۵/۴۵۵) و به گفته راغب، منافق از دری به اسلام وارد شده و از دری دیگر خارج می شود، لذا به او منافق گفته می شود (راغب اصفهانی/۱۴۱۲/۸۱۹)، پس منافق انسانی دوروست که در ظاهر به نحوی خود را نشان می دهد در حالیکه باطنش دقیقا به خلاف آنست که در ظاهر نشان داده است و به عبارت دیگر چنانکه جعفر سبحانی می نویسد: منافق مکنون قلبی خود را مخفی نموده، و غیر آنرا اظهار میکند (سبحانی/۱۳۷۵/۴/۹)؛ نفاق در اصطلاح اسلامی به دو معنی نفاق عقیدتی و نفاق اخلاقی به کار رفته است؛ منظور از نفاق عقیدتی آن است که فرد در ظاهر مسلمان و در باطن کافر است و به هیچ یک از تعالیم اسلام اعتقاد ندارد و منظور از نفاق اخلاقی آن است که گرچه فرد از نظر اعتقادی به اصول اسلام معتقد است ولی از لحاظ عملی می لنگد و به علت نفوذ شیطان در درونش نمی تواند به احکام اسلام عمل کند، مانند مسلمانی

که دروغ میگوید، ریا میکند، حقه بازی دارد، خیانت در امانت می کند، و اعمالی از این قبیل، که اینها مصادیق نفاق عملی محسوب می شوند (محمد خاتمی/۱۴۲۸/۳۰).

### صفات کلی منافقین از دیدگاه قرآن کریم

خداوند متعال در سوره های زیادی از قرآن کریم از منافقین یاد کرده و به بیان اقدامات و ترفندهای آنان پرداخته است و بخوبی ویژگی های منافقین را منعکس می کند، مانند سوره بقره که در آیات ابتدائی آن، قرآن کریم در سیزده آیه پیاپی و در قالب مثالهای عمیق و تکان دهنده، به بیان ویژگی های منافقین می پردازد و آنها را با صفاتی مانند دودلی، دروغگویی، ریاکاری، فریب و نیرنگ، خیانت، سرکشی و نافرمانی، فسق عملی و اعتقادی، تعامل سوء اجتماعی، ترس از مرگ و رسوائی یاد می کند (بقره/۸-۲۰).

### صفات منافقین از منظر جامعه شناختی

برای بدست آوردن تعریف جامعه شناختی از «نفاق» باید به دو اصطلاح در علم جامعه شناسی توجه کرد: گروه؛ این کلمه فرانسوی (Groupe) یا ایتالیائی (Gruppo)، به معنی گروه، حلقه، بسته، مجموعه افراد گرد آمده در یک محل، دسته، جمع، فرقه و یا جمعیت است (آراسته خو/۱۳۸۱/۷۷۷)؛ و در اصطلاح به مجموعه ای از افراد با هنجارها، ارزشها و توقعات مشابه و با تعامل منظم (شفر/۱۳۹۱/۷۴)، که با یکدیگر روابط متقابل داشته و از یکدیگر انتظار اعمال و رفتار مشترک دارند، و همچنین از عضویت خود در آن جمع آگاهند، گفته می شود (کوئن/۱۳۸۷/۱۲۹)؛ و هنجار؛ «معیارهای تثبیت شده رفتار حمایت شده از سوی جامعه» (شفر/۱۳۹۱/۱۱۰) یا «فرمولی مجرد و ملموس از آنچه باید باشد» (AndreLalande: 1867 - 1963) یا «الگوهای استاندارد و نشان دهنده رفتار ایده آل و مطلوب در یک جامعه» (ستوده/۱۳۷۳/۱۹) و لذا مترادف با «آرمان، قاعده، مدل و هدف» (آلن/۱۳۷۵/۲۴۸) مانند قوانین، قواعد، احکام و مقررات (منوچهر محسنی/۱۳۸۵/۳۰)؛ اعضای جامعه، برای اثبات عضویت (فرجاد/۱۳۷۴/۱۱)، سعی در تطبیق رفتار خود با هنجارها دارند زیرا صحت رفتارشان با آن سنجیده می شود (رفیع پور/۱۳۸۷/۱۴).

اکنون با توجه به این دو مفهوم می توان گفت، جریان نفاق یک شبه گروه ناهنجار است، که برخلاف هدف و آرمان و قواعد جامعه اسلامی که ترکیبی از هنجارهای دینی، رسمی، انتظامی، مردمی و اخلاقیست حرکت می کند، ولی از سوئی سعی در کتمان انحراف خود داشته و با اظهار صوری هنجارگرایی، می خواهد خود را به عنوان عضوی از جامعه اسلامی القاء نماید.

### انواع نفاق بر اساس منشا پیدایش

مهمترین هدف منافق، منفعت طلبی است؛ او با دورویی و فریبکاری به دنبال چیز است که در چهره واقعی خود، هرگز بدان دست نخواهد یافت، اما منفعتها یکسان نیستند، بعضی منافع، زود به دست می آیند و ماندگاری زیادی نیز ندارند، مانند رسیدن به مقداری پول، یا وسائل و امکانات بیشتر؛ رسیدن به این منافع زحمت زیادی نمی طلبد و اگر مستلزم تلاش زیاد یا خطر باشد، دیگر دنبال نمی شود؛ اما بعضی منافع، بزرگ و با ارزشند، زود به دست نمی آیند و زود نیز از دست نمی روند، به راحتی نیز نمی توان به آنها رسید بلکه در دراز مدت باید برای بدست آوردنشان تلاشهای فراوان کرد و زحمات طاقت فرسا کشید، حتی اگر منجر به ضررهای جانی و مالی گردد، چرا که شیرینی رسیدن به منفعت بزرگتر، تحمل آنها را آسان خواهد نمود.

منافقینی که به دنبال منافع زودگذر هستند، در کارهایی که زحمت زیادی برایشان نداشته و به آنها ضرر چندانی وارد نکند، مشارکت دارند، ولی در هنگام خطر به بهانه گیری و شانه خالی کردن از مسئولیتها روی می آورند و در نتیجه به سرعت چهره واقعی شان هویدا می گردد، آنها منافقین عادی هستند، اما گروه دیگری از منافقین، به منافع زودگذر توجهی ندارند و به اهداف بزرگ می اندیشند، اهدافی که آنقدر برایشان بزرگ و با ارزش است که برای رسیدن به آن براحتی از منافع کوچک چشم پوشی کرده و حتی از سرمایه های خود نیز مایه می گذارند، سختی ها را بجان می خرند و حتی گاهی از دیگر افراد جامعه نیز جلو می افتند، بجاست که از این دسته، با نام «منافقین حرفه ای» یاد شود.

### تفاوت نفاق عادی و حرفه ای در قرآن

قرآن کریم در آیات فراوانی به معرفی انواع منافقین پرداخته است، منافقین عادی علاوه بر عدم التزام به احکام دین و آلوده بودن به فسق (نور: ۳۳: «... وَ لَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»؛ یکی از منافقین کنیزان خود را مجبور به زنا می کرد، ر.ک: ابن کثیر (۵۰/۶/۱۴۱۹)، بدخواه اسلام و مسلمین بوده (المنافقون: ۷: «هُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَقْفَهُونَ» و دائما در حال تلاش برای ضربه زدن به پیکره اسلام و حکومت اسلامی، دلسرد کردن مسلمین (الانفال: ۴۹: «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ») از پیامبر و سخنان و وعده های آنحضرت (الاحزاب: ۱۲: «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»، و جلوگیری از گسترش اسلام بودند چراکه نه به پیامبر و رسالتش ایمانی داشتند (المنافقون: ۵: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُوا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ»)، و نه هیچ آینده ای را برای اسلام تصور میکردند، بلکه اساسا اینگونه مسائل برای آنها مسخره و بی معنی بود؛ آنها هر جایی که صحنه را خالی و خود را در امان می دیدند چهره واقعی خود را بروز داده و همه چیز را از شخص پیامبر اکرم تا احکام اسلامی به باد انتقاد و استهزاء می گرفتند (آل عمران: ۱۶۸: «الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا...»؛ از زیر بار مسئولیتها شانه خالی کرده (الاحزاب: ۱۳: «وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا) و از جنگ فرار می کردند (التوبه: «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَئِذَنْ لِي وَ لَا تَنْتَبِهِي...»؛ ارتباط دوستانه با دشمنان دین برقرار کرده (المائدة: ۵۲: «... فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ...»)، و از روی لجبازی و عناد علنا با دستورات پیامبر به مخالفت برمی خواستند (نظیر بازگشت عبدالله بن ابی و یارانش از راه جنگ احد، این جریان باعث دو دستگی در لشکر اسلام شد، آل عمران: ۱۲۲: «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَ اللَّهُ وَ لِيُهِمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ») و حتی اگر اوضاع را مناسب تصور می کردند به فعالیت

علنی بر ضد حکومت اسلامی پرداخته و کفار را علیه پیامبر تحریک کرده و به آنها وعده یاری می دادند (حشر: ۱۱): «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، بین صفوف مسلمین اختلاف ایجاد کرده و دیگران را نیز به این کار تشویق و تحریک می نمودند؛ آنها انسانهایی کم عقل، بی خرد، بدون برنامه ریزی خاص و فاقد هدف معین هستند که فقط به فکر منافع زودگذر و کوچکنند و کوشش چندانی نیز برای مخفی کردن هویت واقعی خود ندارند.

اما منافقین حرفه ای بسیار زیرکانه عمل میکنند، آنها چشم به اینگونه منافع کوچک ندارند و فکرهای بزرگتری را در سر می پروراندند، به آینده اسلام چشم دارند و به آن امیدوارند، پس هیچ عجیب نیست که برای زودتر به ثمر رسیدن این جریان و برپا شدن حکومت اسلامی، تمام توان خود را به کار گیرند، لذا همیشه در صف متقدمین در هر کار و مومن ترین ها و دلسوزترین ها، برای خود جا باز کنند، و گاه در این امور حتی از خود پیامبر پیشی بگیرند؛ قرآن کریم با اشاره به این نوع از منافقین که چشم به مناصب و ریاستهای اسلام دارند، می فرماید: (بقره/۲۰۴):

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ \* وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ».

«وپاره ای از مردم، منافق و سالوسند که وقتی سخن از دین و صلاح و اصلاح می کنند تو را به شگفت می آورند و خدا را گواه می گیرند که آنچه می گویند مطابق آن چیزی است که در دل دارند و حال آنکه سرسخت ترین دشمنان دین و حقند \* وقتی به ولایت و ریاستی می رسند با تمام نیرو در گستردن فساد در زمین می کوشند و به مال و جانها دست می اندازند با اینکه خدا فساد را دوست نمی دارد. (موسوی همدانی/۱۳۷۴/۲/۱۴۲)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیات (محمد حسین طباطبائی/۱۴۱۷/۲/۹۸) و نیز در



مطلبی که ذیل آیات ابتدایی سوره منافقون در خصوص نفاق می نویسد به خوبی به این مطلب اشاره دارند (همان/۱۹/۲۸۸) و علامه جوادی آملی نیز از این آیات، قدرت طلبی و ریاست خواهی و تصاحب پستهای کلیدی توسط برخی منافقین را استنباط کرده اند (جوادی آملی/۱۳۸۵/۲/۲۲۳).

#### ارتباط معنایی نفوذ و نفاق

از آنچه بیان شد، می توان نتیجه گرفت که مفهوم وسیع نفاق، همه دوچهره گانی که در ظاهر خود را دوست نشان داده و در باطن سراسر کینه و عداوت نسبت به جامعه اسلامی هستند را دربرمی گیرد، چه کسانی که دنبال منافع کوچکند و ضررهایشان نیز متناسب با اهدافشان زیاد بزرگ نیست، و چه کسانی که برای رسیدن به اهداف بزرگ مانند تصاحب مناصب و حکومت بر مردم و رسیدن به پست ها و مقام ها نه تنها منافع کوچک را فراموش می کنند بلکه همه چیز را قربانی رسیدن به آن هدف بزرگ کرده و از هیچ تلاشی در این راه مضایقه نمی کنند، لذا «نفوذ» نوعی از نفاق حرفه ای است، «نفوذی» منافقی است که به دنبال اهداف و منافع خیلی بزرگ، به درون حلقه های مهم و تاثیرگذار خزیده و سعی در اثرگذاری برای سوق دادن جامعه به سمت و سوی مطلوب خویش را دارد؛ توجه به تفاوت و مراتب لایه های نفاق و نفوذ، در کلام رهبر معظم انقلاب در مقاطع گوناگون درباره این مفهوم، کاملاً مشهود است:

توجه رهبر انقلاب به خطر «نفوذ»

امام خامنه ای در بیانات متعدد در مقاطع گوناگون و در شرائط متفاوت و در دیدار با اقشار مختلف مردم، بارها به پدیده خطرناک «نفوذ» اشاره کرده و نسبت به خطر بزرگ آن هشدار داده اند که به برخی از فرمایشات ایشان اشاره میکنیم:

#### نفوذ برنامه اصلی دشمن

یکی از برنامه ریزی های دشمن عبارت است از نفوذ. بنده الان شاید حدود یک سال یا بیشتر است که راجع به نفوذ دارم صحبت میکنم. از نفوذ باید ترسید، باید مراقب بود.

معنای ترس [هم] این نیست که آدم خوف کند، یعنی ملاحظه کنید، مراقب باشید؛ نفوذ خیلی مهم است (دیدار با بسیجیان ۱۳۹۵/۹/۳).

به نظر ما سلاح اصلی آمریکا هم در این منطقه که ما در جمهوری اسلامی مراقب این معانی هستیم، نفوذ است، نفوذ در مراکز حساس و تصمیم‌گیر؛ ایجاد تفرقه است، ایجاد تزلزل در عزم ملی ملت‌ها است، ایجاد بی‌اعتمادی میان ملت‌ها، میان ملت‌ها و دولت‌ها، دستکاری در محاسبات تصمیم‌گیران و وانمود کردن اینکه حلال مشکلات این است که زیر پرچم آمریکا بروید و تسلیم آمریکا بشوید و حرف آمریکا را قبول بکنید، هر چه او گفت عمل کنید و گوش کنید، این حلال مشکلات است؛ این را در ذهنیت تصمیم‌گیران ملت‌های اسلامی و کشورهای اسلامی می‌خواهند وارد کنند؛ سلاح‌های آنها اینها است که از سلاح‌های سخت و سلاح‌های نظامی خطرناک‌تر است. حقیقتاً آنچه انسان مشاهده میکند در کار اینها، همان نفاقی است که در قرآن کریم از آن یاد شده است (دیدار به مهمانان کنفرانس اسلامی، ۹۸/۸/۲۴).

امروز دشمنان به زوایای زندگی من و شما ملت انقلابی، با دقت دارند نگاه میکنند که شاید نقطه ضعفی پیدا کنند و از آنجا نفوذ کنند؛ این مناطق نفوذ دشمن را شناسایی کنید، در مقابل آنها صف‌آرایی کنید؛ وقت را هدر ندهیم. امروز همه موظفیم، همه مسئولیم (دیدار با جامعه مداحان، ۹۷/۱۲/۷).

ما بیشتر از خیلی از کشورها، دشمن داریم؛ دشمن هم راه‌های نفوذ را پیدا میکند و یکی از راه‌های نفوذ، همین مسئله‌ی فضای مجازی است (دیدار با فرماندهان انتظامی، ۹۸/۲/۸).

ما در میانه یک میدان بزرگ جنگ قرار داریم که یک طرف آن، نظام جمهوری اسلامی و طرف دیگر آن، جبهه وسیع و قدرتمندی از دشمنان است اگر در این جنگ دچار غفلت شویم مغلوب خواهیم شد و اگر دچار ساده‌اندیشی شویم ضربه خواهیم خورد در این جنگ، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی در دستور کار است، از «نفوذ و سرقت اطلاعات» و «تغییر

محاسبات تصمیم گیران» و «تغییر باورهای مردم» تا «ایجاد نابسامانی مالی و اقتصادی» و «ایجاد آشفتگی‌های امنیتی» (دیدار با کارکنان وزارت اطلاعات، ۹۷/۱/۲۹).

خطر نفوذ خیلی جدی است، فردی که می‌خواهد در نظام جمهوری اسلامی، امانت‌دار کشور و مردم باشد باید صلاحیت داشته باشد لذا کوچک‌ترین تردید درباره صلاحیت افراد باید منعکس شود و دستگاہها نیز موظف به عمل براساس نظر وزارت اطلاعات هستند (دیدار با کارکنان وزارت اطلاعات، ۹۷/۱/۲۹).

دوستانی که مرتبط با مسئله‌ی فرهنگ هستند جداً توجه کنند، ما مواجه هستیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه؛ یک جبهه‌ی عظیمی از لحاظ فرهنگی دارند به ما تهاجم میکنند؛ این هم در خلال حرفهایشان هست، البته ما میدانستیم این حرف را، اما حالا دیگر خودشان هم صریحاً میگویند که «غلبه‌ی بر جمهوری اسلامی و غلبه‌ی بر حاکمیت اسلام، با جنگ نظامی و با تحریم اقتصادی موققت‌آمیز نیست، ولی با کار فرهنگی و نفوذ فرهنگی موققت‌آمیز است؛ ذهنها را باید تغییر داد، روی مغزها باید کار کرد، هوسها را باید تحریک کرد»؛ این را الان صریح میگویند (دیدار با هیئت دولت، ۹۸/۵/۳۰).

امروز حقایق در مورد نیات پلید دولت ایالات متحده‌ی آمریکا علیه اسلام و مسلمین و جمهوری اسلامی آشکار شده، مراقب باشند نفوذی دشمن در دستگاہهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر وارد نشود (دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۹۶/۱۰/۶)؛ یکی از چیزهایی که اتحاد ملت را زیر سؤال میبرد و شبهه ایجاد میکند و اختلاف ایجاد میکند و اگر اختلافی هست آن را آشکار میکند، فاصله قرار ندادن با دشمن است؛ مراقبت بشود. دشمن تنها در خارج از کشور نیست؛ گاهی اوقات دشمن، داخل کشور هم نفوذ میکند (دیدار با مسئولین نظام، ۹۶/۳/۲۲).

دشمنان سعی میکنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی؛ یکی از راههایی که آنها در پیش میگیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است (دیدار با جوانان، ۹۵/۹/۲۳).

ما همین طور مدام درباره‌ی نفوذ دشمن تکرار میکنیم، تأکید میکنیم، نفوذ، ایجاد خلل در باورها است؛ باور انقلابی، باور دینی. در معرفت‌های انقلابی و دینی اختلال ایجاد میکنند؛ رخنه کردن در اینها است. و از همه‌ی طرق هم استفاده میکنند و آدمهای گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبه‌ی فکری و علمی هم دارند؛ همه جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵)؛ اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند (دیدار با فرهنگیان، ۹۶/۲/۱۷).

### لایه‌های نفوذ

نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی و فردی است؛ یک نفوذ جریان‌ی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم‌ودستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره‌ی آرایش شده، بزک شده، با ماسک در مجموعه‌ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است درحالی‌که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض میکند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، میتوانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگرچنانچه این حرکت را این جور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری میکند که شما حرکت را این جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی... منتها از این خطرناک‌تر، نفوذ جریان‌ی است. نفوذ جریان‌ی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان که عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر

میکنند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه میکند، اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده‌ی کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آرمانها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزشها تغییر پیدا خواهد کرد، خواستها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد. (دیدار با فرماندهان بسیج، ۹۴/۹/۴)

آنها دوست نمیدارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند، امروز این امکان‌پذیر نیست؛ برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و بر طبق مصالح آنها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است. در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نتوانستند در مراکز تصمیم‌سازی نفوذ کنند. (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵).

دشمنان در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ می‌کنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده‌ی مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور میشوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده‌ی آنها است؛ آنها هم همین را میخواهند (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵).

#### زمینه‌های نفوذ

دشمن برای نفوذ برنامه‌ریزی کرده است و از انواع و اقسام آن وارد می‌شود، من با خودم محاسبه می‌کردم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و همین حالا دارند عمل میکنند (دیدار با مجلس خبرگان، ۹۴/۱۲/۲۰).

#### اقتصاد

دشمن متمرکز شده روی مسئله‌ی اقتصاد، علتش هم این است که در زمینه‌ی مسائل اقتصاد یک به اصطلاح خلأهایی وجود داشته، یک ضعفهایی وجود داشته، به تعبیر

نظامی‌ها یک نقاط کور راداری وجود داشته که دشمن از آنجاها توانسته نفوذ بکند و وارد بشود؛ ما باید این نقاط کور راداری را ببندیم، ما باید نقطه ضعف‌ها را درست بشناسیم و اینها را برطرف کنیم؛ میتوانیم (دیدار با هیئت دولت، ۹۷/۶/۷).

### محافل علمی

یکی از راه علمی است؛ از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجو - کنفرانس‌های به ظاهر علمی ولی در باطن برای نفوذ افراد امنیتی را اینجا میفرستند (دیدار با مجلس خبرگان، ۹۴/۱۲/۲۰).

### فرهنگ

یکی از راه‌ها، راه‌های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم دستگاه‌های امنیتی را به عنوان یک فرد صاحب هنر برای، فرض کنید، جشنواره‌ی موسیقی معین میکنند که بفرستند، یعنی به عنوان حضور در یک جشنواره‌ی هنری مثلاً جشنواره‌ی موسیقی، کسی را انتخاب میکنند که این آدم، صد درصد سیاسی و امنیتی است؛ به عنوان فرد هنری اینجا میفرستند. خب، برای چه میفرستند؟ نفوذ (دیدار با مجلس خبرگان، ۹۴/۱۲/۲۰)؛ دشمن سعی میکند در زمینه‌ی فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به وجود بیاورد. خرجها میکنند؛ میلیاردها خرج میکنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵).

### سیاست

نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده‌ی مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور میشوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر

طبق اراده‌ی آنها است؛ آنها هم همین را می‌خواهند (دیدار با فرماندهان سپاه، ۹۴/۶/۲۵).

### اهداف دشمن از نفوذ

نفوذ برای دو منظور است. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است که به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده‌ی مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور، همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد. همان کاری را که او می‌خواهد مفت و مجاناً انجام می‌دهد؛ آماج مردمند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها جایگزین شود. اینها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد (دیدار با خبرگان، ۹۴/۱۲/۲۰).

### نمونه نفوذ در جمهوری اسلامی

گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمیداند! امام (رضوان‌الله‌علیه) فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان مردمان موجه شنیده میشود. امام هوشیار بود، امام مجرب بود. دشمن یک چیزی میگوید، یک چیزی می‌خواهد، این را با وسایل گوناگونی، با چند واسطه کاری میکنند که از زبان فلان آدم موجه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده، بیرون بیاید. مگر ندیدیم اینها را؟ مگر تجربه نکردیم اینها را؟ در همین مجلس شورای اسلامی مگر ندیدیم که یک نماینده‌ای نظام را متهم کرد به دروغ‌گویی! گفت ما ده سال است، سیزده سال است داریم به دنیا دروغ می‌گوییم، در تریبون مجلس شورای اسلامی! در این منبر عمومی! خب، او حرف دشمن را دارد میزند؛ دشمن به ما میگفت شما

دروغ میگویید! حالا یکی از خود ما پیدا میشود میگوید نظام دارد دروغ میگوید! این نفوذی نیست؟ احیاناً خودش هم خبر ندارد و نمیداند. مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم دشوار هسته‌ای در دورانی که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته‌ای بود و داشتند با زحمت، با شدت حرف میزدند، با طرفهای مقابل مجادله میکردند و درواقع مبارزه میکردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند، در مجلس طرح سه‌فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود! همان وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما است، گلایه کرد و گفت ما داریم آنجا مبارزه میکنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طراحی میکنند؛ خب، اینها نفوذ است؛ اینها چیست؟ مگر نفوذ شاخ‌ودم دارد که بعضی تا گفته میشود نفوذ، برآشفته میشوند که آقا، گفتید نفوذ، گفتید نفوذ؟ بله، باید مراقب بود (دیدار با مردم نجف آباد، ۹۴/۱۲/۵).

#### راه مقابله با نفوذ

امام خامنه‌ای برای مقابله با نفوذ دشمن راه کارهایی نیز ارائه کرده اند که به دو مورد از مهمترین راه کارها در کلام ایشان اشاره می‌کنیم:

#### مرزبندی با دشمن

یکی از کارهای بسیار لازم، مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم است. ما نباید بگذاریم مرزمان با دشمن کم‌رنگ بشود. اگر مرزبندی با دشمن نبود و مرز، برجسته نبود، عبور از این مرز ممکن میشود؛ درست مثل مرزهای جغرافیایی. اگر مرز جغرافیایی نباشد و برجسته نباشد، خب از آن طرف یک نفری بلند میشود می‌آید اینجا نفوذ پیدا میکند؛ مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روشن نبود، دشمن میتواند نفوذ کند، میتواند خدعه کند، میتواند فریبنده عمل بکند، میتواند بر فضای مجازی مسلط بشود. اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود؛ این هم یک مطلب است که در آیه‌ی شریفه‌ی «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّیْ وَ عَدُوَّکُمْ اَوْلِیَاءَ» بیان شده است. (دیدار با خبرگان، ۹۷/۱۲/۲۳).



### ایجاد مصونیت

یکی از راه‌هایی که دشمنان در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان و نوجوانان ما است؛ متوجه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، بلکه به پیرامونیان خودتان در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید (دیدار با جوانان، ۹۵/۹/۲۳).

### اشاره به نفوذ در بیانیه گام دوم

امام خامنه ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز در دو نکته بسیار مهم به مسئله مهم نفوذ اشاره کردند: در نکته اول به یکی از مهمترین زمینه های نفوذ یعنی مساله «اقتصاد»، که چنانکه گذشت از اصلی ترین رخنه هایی است که دشمن از طریق آن نفوذ کرده و برنامه های منافقانه اش را در جامعه اسلامی پیش می برد، و نکته دوم اقداماتی که دشمن پس از اینکه توانست در جامعه نفوذ پیدا کند، انجام می دهد، در ادامه به بازنگری این دو نکته مهم می پردازیم:

### اقتصاد، مهمترین نقطه نفوذ

امام خامنه ای در قسمتی از بیانیه گام دوم انقلاب می فرمایند:

«اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید».

اما مراد امام خامنه ای، از اقتصاد قوی که موجب نفوذناپذیری می شود چیست؟ آیا قوی شدن در اقتصاد به این معنیست که چنانکه بعضی به دنبال آن بودند، جامعه اسلامی، به سمت الگوی ژاپن اسلامی پیش برود؟ می توان گفت هرگز چنین نیست، زیرا چنانکه رهبری اشاره کردند، هدف اولیه جامعه اسلامی اقتصاد نیست، بلکه اقتصاد قوی فقط یک وسیله است تا امور معنوی را پیش ببرد. اقتصاد قوی اسلامی با گرفتن مدلهای اقتصادی

بیگانه از اسلام، و ترکیب آن با اخلاق اسلامی ایجاد نمی شود، بلکه باید تمام برنامه ها و مدل‌های اقتصادی تحت تاثیر فرهنگ و ادبیات اسلامی، بومی سازی شود و در نتیجه ایده های اقتصادی تبدیل به مدل‌های اسلامی اقتصادی شود و این مهم فقط در سایه بازنگری و اصلاح مبانی امکان پذیر خواهد بود؛ لذا اولین گام در ایجاد اقتصاد قوی اسلامی، ارتقاء اعتقادات در سطح فردی و اجتماعی و تبیین رابطه آن با حیات اجتماعیست و لازمه آن، شکل گرفتن عقلانیت تخصصی جامعه اسلامی، تحت تاثیر فرهنگ دین است؛ به طور مثال باید فرهنگ تخصصی اقتصادی جامعه اسلامی بر مبنای قاعده «نفی سبیل» شکل بگیرد و راه کارهایی برای جریان این قاعده مهم دینی، در دانش اقتصاد ایجاد شود، در سایه این جریان، افراد جامعه اسلامی نیز در تجارتهای و فعالیتهای و بنگاه داری های اقتصادی خود، هنگام تاسیس شرکت یا عقد قرارداد و مانند آن، خواهند سنجید که آیا این فعالیت اقتصادی به نفع جبهه حق و حکومت اسلامی خواهد بود یا خیر؛ به عبارت دیگر ظرفیت محاسبه، از محوریت منافع شخصی به منافع جامعه اسلامی ترقی خواهد یافت؛ اما بدون اصلاح مدل‌های اقتصادی و حتی ایجاد آنها بر اساس مبانی اسلامی، رسیدن به این نقطه تقریباً محال است، به عبارتی وقتی مدل سرمایه داری در اقتصاد، حاکم باشد، هرگز نمی توان از مردم توقع داشت ساده زندگی کنند یا مطابق مثلاً «اقتصاد مقاومتی» حرکت کنند.

مثال عینی که امام خامنه ای در یکی از سخنرانی‌ها به آن اشاره کردند، جالب است:

ده پانزده سال قبل از این، رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفته‌ی منطقه‌ی ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد به من گفت آقا ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف یک شب تبدیل شدیم به فقیر، به گدا؛ راست میگفت. فلان سرمایه دار، به خاطر فلان خصوصیت اراده میکند این کشور را به زانو دریاورد؛ سرمایه‌ی خودش را میکشد بیرون یا تصرفاتی میکند که اقتصاد آن کشور به زانو دریاورد (امام خامنه ای، دیدار با

فرماندهان سپاه، ۲۵/۶/۹۴. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>

این مثال، به خوبی، خلأ الگوهای اقتصادی، و غفلت عقلانیت تخصصی در جهت

منافع اجتماعی سازگار با مبانی فکری، و نیز بی تفاوتی آحاد مردم نسبت به شکل گیری قدرت اقتصادی، را به تصویر می کشد.

مایوس سازی، مهمترین ماموریت نفوذ

امام خامنه ای در قسمتی از بیانیه گام دوم انقلاب می فرمایند:

در طول این چهل سال و اکنون مانند همیشه سیاست تبلیغی و رسانه های دشمن و فعال ترین برنامه های آن، مایوس سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه ی همیشگی هزاران رسانه ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده اند که با استفاده از آزادیها در خدمت دشمن حرکت میکنند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ - <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

مهمترین هدفی که دشمن در این پروژه دنبال می کند، مایوس کردن مردم از نظام اسلامی و انکار کارائی آن در ایجاد زندگی مطلوب مادی و حتی معنویست و قسمت زیادی از آن را با القاء پیش می برد، مسلم است که مهمترین نقش در اجرای این برنامه و جا افتادن القائات دشمن، برعهده نفوذی هاست، کسانی که در مراکز حساس و کلیدی رخنه کرده و سخن دشمن از دهان آنان به جامعه اسلامی منتقل می گردد.

یکی از اساسی ترین راهبرد ها در پیشبرد این پروژه، تحقیر جامعه اسلامی در برابر فرهنگ استعمارپرست، که توسط دشمن انجام شده و با ایجاد پروپاگاندا ی وسیع بوسیله رسانه های فراوان حقیقی و مجازی، ادامه می یابد و سپس همان خط مشی با ادبیات متفاوت خیرخواهانه یا طلبکارانه یا حق طلبانه توسط عوامل نفوذی دشمن در داخل جامعه اسلامی تکرار و القاء می گردد؛ نفوذی ها بجای تقویت روحیه استقلال و تشویق به سیر بر اساس مبانی ایده آل تعریف شده بر اساس فرهنگ دینی، حق طلبی را شرارت و بی نظمی، آرمان خواهی را توهم، و حرکت به سوی اهداف بلند دینی را عقب ماندگی تعریف می کنند؛ و مبانی فکری

اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی را تحقیر می نمایند؛ ملت و دولتی که خود را حقیر ببیند چه امیدی می تواند به آینده نظام و مبانی آن داشته باشد؟ این القائات مشحون از یاس، در نهایت منجر به توقف موقت یا همیشگی حرکت آرمان گرایانه انقلابی خواهد شد.

به طور مثال، در انقلاب اسلامی نبی مکرم اسلام و استقرار حکومت نوپای اسلامی در مدینه منوره، پیامبر اکرم آرمانهای بزرگ این حرکت الهی را برای مردم تصویر می کردند، چنانکه نقل شده در جریان کندن خندق، وقتی کلنگ پیامبر به سنگی برخورد کرد و برقی از آن جهید، آنحضرت این جریان را به تصرف ایران و روم توسط لشکر اسلام در آینده نزدیک تعبیر کردند، ولی نفوذی ها با تمسخر این هدف بلند، می گفتند: یارانش از گرسنگی تلف می شوند و از ترس کشته شدن نمی توانند به قضای حاجت بروند و او از تصرف امپراطوری های بزرگ دنیا سخن می گوید (ابن هشام/۱۴۱۹/۱/۵۲۲؛ ابن کثیر/۱۴۰۷/۳/۲۳۸).

در حرکت انقلابی مردم ایران نیز که منجر به تشکیل حکومت مقدس جمهوری اسلامی شد، هدف امام خمینی از ایجاد و رهبری و پیشبرد این حرکت انقلابی، زمینه سازی برای ظهور حضرت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> و آمادگی همه جانبه جهانی برای قیام آن اصلاحگر الهی بوده و تعریف هر هدفی برای انقلاب جز آنچه مد نظر آن امام عظیم الشان بوده است، تحقیر این جنبش بزرگ خواهد بود؛ اگر دشمن با استفاده از نفوذ و راهبرد تحقیر، موفق شود نظام ارزشی مبتنی بر مبانی اسلام ناب که انقلاب خمینی بر اساس آن شکل گرفته است را تغییر دهد، موازین ارزشی جامعه نیز تغییر می کند و در پی آن زیباشناسی افراد بهم خورده و حتی منجر به از هم گسیختگی در ساختارها خواهد شد، در چنین فضای مسمومی که توسط القائات عوامل نفوذی ایجاد می شود، مدار عزت و ذلت تغییر میکند، مدالهایی که بر اساس مبانی دینی، افتخار محسوب می شد، مایه ننگ تلقی می گردد، و هدف بلندی چون صدور انقلاب به خارج از مرزهای جغرافیایی، بعنوان دخالت در امور کشورها یا برهم زدن نظم جهانی تعریف می شود؛ مایوس سازی از آینده، و تصویر دروغین فضای تاریک پیش رو و تغییر مدار و موازین ارزش، حتی ممکن است موجب استحاله انقلاب گردد.

---

## نتیجه

---

منافقین حرفه ای که نفاقشان از منافقین عادی بسیار عمیقتر و پیشرفته تر است، افرادی خطرناک با سطح منفعت طلبی بسیار وسیع هستند که در قرآن و روایات بطور چشمگیری به آنان اشاره شده و خصوصیات و ویژگی ها و خطرات آنان گوشزد شده است، آنان در لایه های گوناگون حکومت اسلامی اعم از فرهنگ و اقتصاد و سیاست و مانند آن، نفوذ کرده و خود را در حلقه های قدرت و تصمیم گیری و حتی تصمیم سازی، تثبیت می نمایند، رهبر گرامی انقلاب، از سالها پیش تا کنون به فراست این نکته را رصد کرده و بارها به مناسبتهای گوناگون و از جمله «بیانیه گام دوم» نسبت به آن تذکر داده و لایه ها و زمینه ها و اهداف منافقین نفوذی در سطوح تصمیم سازی و تصمیم گیری در مسائل کلان و حساس نظام را حتی گاهی با ذکر نمونه تبیین کرده اند؛ و دو راهکار مهم «ایجاد مصونیت و مرزبندی با دشمن» را تنها طریق مقابله با نفوذ دانسته اند.